



عهد و گفتگو

Joseph Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر تورا برای خیم شیمیل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن تورا، بلکه رسیدن به حقیقت زرفری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر سوندنی اش آنرا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بهمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

Metzora

Is there such a thing as Lashon Tov?

متزورا: آیا چیزی به نام زبان خیر وجود دارد؟

حکیمان تلمودی تزارات [بیماری پوستی] را که بن مایه پاراشای این هفته است نه همچون یک بیماری، که مانند آشکارگی معجزه آسای مجازات گناه لاشون هاراع یا زبان شر و بدگویی از افراد در جلوی چشمان همگان دانسته اند. یهودیت تفکر پیوسته ای است پیرامون قدرت واژگان در درمان یا آسیب رسانی، در ترمیم یا ویرانگری. درست همان گونه که خدا جهان را با کلمات خلق کرد، ما را نیز قادر ساخت تا مناسبات خود را به کمک کلمات برقرار یا ویران سازیم.

حخامیم پیرامون زبان شر بسیار گفته اند، اما از نقطه مقابل آن، زبان خیر، سخنی به میان نیاورده اند. این عبارت نه در تلمود بابلی و نه در تلمود یروشلمی نیامده است. فقط در دو نوشتار میدراشی (هنگام سخن گفتن از ستایش خدا) آنرا می یابیم. اما لاشون هاراع به معنای سخن گفتن بد درباره خدا نیست. بلکه به معنای بدگویی از آدم های دیگر است. آیا خوب گفتن از آدم های دیگر یک میصوا است؟ من استدلال خواهم کرد و نشان خواهم داد که چنین است. پس در منابع گشت و گذاری بکنیم.

در میشنا آووت چنین می خوانیم:

ربان یوحانان بن زکای پنج شاگرد داشت که بعدها افراد برجسته ای شدند: ربی الیعزر بن هیرکانوس، ربی یهوشوع بن خنیا، ربی یوسی کوهن، ربی شیمون تانیل، و ربی العازار بن آراخ.

او همیشه آنها را این گونه می ستود: الیعزر بن هیرکانوس چاهی عمیق است که هیچ گاه قطره ای از دست نمی دهد. یهوشوع به خنیا: شادمان کسی که او را به دنیا آورد. یوسی کوهن: مردی پرهیزکار. شیمون بن تانل: مردی که از گناه می هراسد. العازار بن آراخ: چشمه ای همیشه جوشان.

اخلاق پدران ۱۰-۱۱:۲

اما عادت ربان یوحانان در ستایش شاگردانش در تضاد با یک اصل تلمودی به نظر می رسد:

راو دیمی، برادر راو سفرا گفت: هیچ گاه کسی در ستایش همسایه اش سخن نگوید، زیرا

ستایش به انتقاد ختم می شود. آراخین ۱۶ الف

راشی دو تفسیر از این گفته دارد. کسی که ستایش اغراق آمیز بیان می کند yoter midai خود گوینده به گفته هایش بازنگری می کند و برای ایجاد تعادل ادامه می دهد که فرد ستوده شده همچنین کارهای غلطی نیز انجام می دهد. یا این که دیگران در پاسخ به ستایش، خطاهای او را گوشزد خواهند کرد. از دید راشی مهم این است که آیا ستایش عادلانه، دقیق و حقیقی است یا غلو شده؟ اگر حالت اول باشد، مجاز است؛ اگر حالت دوم باشد، ممنوع می باشد. به روشنی ربان یوحانان مراقب بود که غلو نکند.

اما هارامبام دیدگاه متفاوتی دارد. او می نویسد: "هر کس که از همسایه اش در حضور دشمنانش ستایش کند، تقصیر گونهء دومی از زبان شر یا اواک لاشون هاراع به گردن اوست، زیرا دشمنان را برمی انگیزد که درباره آن شخص بدگویی کنند." [هیلخوت دعوت ۷:۴] از دید هارامبام موضوع این نیست که آیا ستایش متعادل بوده یا غلوآمیز؟ بلکه پیش زمینه ای که ستایش در آن بیان می شود، اهمیت دارد. اگر در حضور دوستان آن شخص بیان شود، مجاز است. اما فقط زمانی ممنوع است که در حضور دشمنان یا بدخواهان آن فرد گفته شود. زیرا آنگاه ستایش به تحریک بدگویی می انجامد و نتایج بد به همراه دارد.

آیا اینها فقط دو دیدگاه هستند یا امری بس عمیقتر در میان است؟ در تلمود فصل مشهوری هست در این باره که چگونه باید در ستایش یک عروس در مجلس عروسی اش آواز خواند:

ربی ما چنین تدریس کرد: چگونه باید در برابر عروس رقصید [یعنی چه آوازی باید خواند؟]

شاگردان هیلل بر آن بودند که در جشن عروسی باید بخوانید که عروس زیباست، حتی اگر چنین نباشد. شاگردان شمای مخالف بودند و می گفتند: در هیچ وضعیتی نباید دروغ گفت. شاگردان هیلل در پاسخ گفتند: شما اینرا یک دروغ می دانید؟ دستکم در چشم داماد، عروس زیباست."

چیزی که اینجا مطرح می شود تنها اخلاق متعادل نیست - پیروان سختگیر شمای در برابر پیروان خوش نیت هیلل. بلکه اینجا دو دیدگاه پیرامون طبیعت زبان به میان می آید. پیروان شمای بر آنند که زبان وسیلهء گفتن جملاتی است که یا راست هستند یا دروغ. پیروان هیلل زبان را چیزی بیش از ابزار گفتن جملات می دانند. ما می توانیم از زبان برای تشویق، همدردی، انگیزه و الهام بخشی استفاده کنیم. یا می توانیم آنرا برای ناامیدساختن، سرزنش، انتقاد یا افسرده ساختن به کار ببریم. زبان کاری بیش از انتقال اطلاعات انجام می دهد. زبان عواطف را انتقال می دهد. یک حال می آفریند و یک

حال را از میان می برد. به کار بردن زبان همراه با حساسیت نیازمند هوش اجتماعی و عاطفی است. به بیان مشهور جی. ال. آستین، زبان می تواند هم اجراکننده باشد و هم اطلاع دهنده.¹

گفتمان میان پیراون هیلل و شمای مشابه جدل میان هارامبام و راشی است. از دید راشی و همچنین شمای، پرسش کلیدی در مورد ستایش این است: آیا حقیقت دارد یا غلوآمیز است؟ از دید هارامبام و نیز هیلل پرسش چنین است: ستایش در چه پیش زمینه ای بیان می شود؟ آیا در میان دوستان بیان شده یا در جمع دشمنان؟ آیا گرما و احترام را دامن می زند یا حسادت و نفرت را؟

می توانیم کمی جلوتر برویم، زیرا اختلاف نظر میان راشی و هارامبام در مورد ستایش می تواند در ارتباط باشد با اختلاف دیدگاه اساسی تری پیرامون طبیعت این دستور که گفته: "همسایه ات (همنوع) را مانند خودت دوست بدار" (لاویان ۱۸:۱۹). راشی این دستور را چنین تفسیر می کند: به همسایه ات (همنوع) کاری نکن که دلت نمی خواهد در مورد تو انجام شود (تفسیر راشی از سنهدرین ۸۴ ب). اما هارامبام می گوید که دستور شامل این وظیفه می شود: "خوب گفتن از او" (هیلخوت دعوت ۳:۶). به روشنی، راشی خوب گفتن از همسایه (همنوع) را انتخابی می داند، اما هارامبام آنرا بخشی از دستور دوست داشتن همنوع می شمارد.

اینک می توانیم به پرسشی پاسخ دهیم که در ابتدا پیرامون میشنا آووت و سخن گفتن ربی یوحانان بن زکای از شاگردانش مطرح شد. آووت به اخلاق می پردازد و نه به تاریخ و زندگینامه. پس چرا به ما

¹ See J. L. Austin's *How to Do Things with Words*, Harvard University Press, 1962.

می گوید که ربان یوحانان شاگردانی داشت؟ بی تردید این یک داده است نه یک ارزش گذاری؛ یک اطلاع است و نه یک راهنمایی برای چگونه زیستن.

اما اینک می توانیم ببینیم که میشنا به راستی نکته ای عمیق را بیان می کند. نخستین گفته در آووت این اصل را بیان می کند: "شاگردان بسیاری تربیت کن." اما چگونه می توان شاگردانی را پرورش داد؟ چگونه افراد را تشویق می کنید که آن چیزی بشوند که در حداکثر توان بالقوه خود دارند؟ پاسخ چنین است: با انجام همان کاری که ربی یوحانان بن زکای هنگام ستایش از شاگردانش کرد: نشان دادن نقاط قوت خاص آنها. او به تملق از شاگردانش نپرداخت. بلکه آنها را ارهنمایی کرد تا استعدادهای متمایز خود را ببینند. الیعزر بن هیرکانوس "چاه عمیقی که هرگز قطره ای آب از دست نمی دهد" فرد خلاقیتی نبود، بلکه حافظه ای نیرومند داشت که ویژگی مهمی در دوران پیش از نگارش تورات شفاهی به شمار می رفت. العازار بن آراخ، "چشمهء همیشه جوشان" خلاقیت داشت، اما چندین کوه می بایست به او آب می رساندند (سال ها بعد او از همردیفانش جدا شد و گفته می شود هر آنچه آموخته بود، از یاد برد).

ربی یوحانان بن زکای دیدگاهی مشابه هیلل و هارامبام در مورد ستودن داشت. او بیشتر از ستودن برای انگیزه بخشی استفاده می کرد تا توصیف. و این یعنی لاشون طوو (زبان خیر). زبان شر ما را به سقوط می کشاند. اما زبان خیر به رشد ما کمک می کند. زبان شر انسان ها را تحقیر می کند و زبان خیر آنها را بالا می برد. ستایش متمرکز و هدفمند که از آگاهی از توانمندی افراد سرچشمه گرفته، همراه با ایمان

به بالقوگی های آنها باشد، همان چیزی است که معلمان را بزرگ می سازد و شاگردان آنها را بیشتر از آنچه در غیر این صورت می توانستند، رشد می دهند. ما از ربی یوحانان بن زکای همین را می آموزیم. پس چیزی به نام لاشون طوو یا زبان خیر وجود دارد. بنا به دیدگاه هارامبام ستودن نیکی ها بخشی از دستور "همسایه ات را مانند خودت دوست مدار" است. بنا به آووت این یک راه است برای "تربیت شاگردان بسیار". زبان خیر همان قدر سازنده است که زبان شر ویرانگر می باشد.

دیدن خوبی های افراد و گفتن به آنها به رشد فردی آنها کمک کند. پس نه تنها باید خدا را ستایش کنیم، بلکه باید خوبی افراد را نیز بیان کنیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی -
آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbitsacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved